



2015/05/24

داکتر سيدخليل الله هاشميان

## پيرامون تفاهم نامه امنيتي

مقاله ای بقلم آقای انجنیر عبدالصبور صافی بعنوان "تفاهم نامه امنيتي با پاکستان يعني چي؟" رادرپورتال (تول افغانستان) خواندم که این موضوع راهمه جانبه تحليل کرده و من از تحليل شان حمايت ميکنم و اجازه ميخواهم بالای نکات مطروحه شان چيزهايي بيافزایم:

**1** انجنیر صاحب میفرماید که این تفاهمنامه "بصورت غیرمستقیم برسمیت شناختن خط دیورنداست." یک تحلیل واقعبینانه! پاکستان از بدو تاسیس خود در مسير **68** سال اخیر حق خود را دیت **25** ملیون پشتون را برسمیت نشناخته و از طریق های نظامی و سیاسی پیهم بالای افغانستان فشار وارد نموده تا خط دیورند برسمیت بشناسد که خوشبختانه تا امروز حکومت های افغانستان را نتوانسته حاضر بقبول این خیانت ملی بسازد. اما سعی پاکستان درین راستا دوام داشته و با قدم های آهسته پیش میرود. اینکه انجنیر صافی اصطلاح "غیرمستقیم" را بکار برده بیانگر قدم های آهسته پاکستان برای نیل به هدف است. این پیمان شاید قدم اول "غیرمستقیم" باشد و دو قدم دیگر "غیرمستقیم" که در اثر تطبیق این پیمان تامین خواهد شد، خط دیورند معنی سیاسی و جغرافیایی خود را بکلی میبازد و جزء مایملک رسمی و دایمی پاکستان خواهد شد.

**2** انجنیر صافی معتقد است که هدف این تفاهمنامه "ضعیف ساختن مناسبات بین هندوستان و افغانستان است." بنظر من، در اثر تطبیق این موافقتنامه آن مقدار استخبارات مفید هندوستان که برای امنیت اتباع و پروژه های انکشافی هندوستان در افغانستان ضروری میباشد، خنثی خواهد شد و استخبارات پاکستان بطور غالب و پیشتر از بر همه استخبارات، بشمول استخبارات افغانی، عرض اندام خواهد کرد و سرنوشت افغانستان بدست موسسه (آی.اس.آی) خواهد افتاد.

**3** آقای انجنیر صافی درست درک نموده که ظاهراً هدف این تفاهمنامه "تربیه کردن کارمندان افغان در امور جاسوسی" میباشد. ولی من این هدف را "سرچپه" میخوانم، یعنی پاکستان مامورین افغان را برای خود جاسوس تربیه میکند - پاکستان بیشتر از **30** فیصد اسرار کارآمد جاسوسی خود را (که در حقیقت مسایل عادی میباشد) با افغانها نمی آموزاند، و این مقدار دانش تخصصی در دستگاه استخبارات خود افغانستان نیز میسر است. پاکستان همین اکنون یکتعداد اتباع افغان را بحیث جاسوس در استخدام خود دارد و حاضر نمیشود آنها را بدولت افغانستان معرفی و افشاء کند، بلکه از تکنیک های کار خواهد گرفت، بشمول دادن پول و وعده های وافر، که بیم آن میرود **50%** کارکنان افغانی را بحیث جاسوس خود تربیه کند. اگر پاکستان به تعهد خود که افغانها را صادقانه بحیث جاسوس تربیه میکند، متعهد باشد، تجربه امتحانی باید ازینجا شروع شود که پاکستان همه جاسوسهای سابق خود را بحکومت افغانستان معرفی کند و افغانستان نیز جاسوسهای سابق خود را بحکومت پاکستان معرفی کند، تا عملیات جاسوسی جدید در اثر این تفاهمنامه از یک میدان صفا و صفر شروع شود.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

**4** انجیر صافی مهمترین ماده قرار داد را " تبادل اطلاعات در ساحة تروریزم و هراس افگنی... "، یعنی حملات ناگهانی مسلحانه، حملات انفجاری، مخفی ساختن ماینها و غیره دانسته میگوید که "پاکستان تمویل کننده و صادر کننده باندهای اشرار و تروریستی بر علیه افغانستان است." - بعبارت دیگر دولت پاکستان چهارباند پر قدرت تروریستی، دوباند در بلوچستان و دوباند در منطقه خیبر در اختیار خود دارد. از مدت **15** سال باینطرف این باندها رادر خاک خود امنیت، مسکن، پول و اسلحه داده و هم در خاک خود تمرینات و تخنیکهای تروریستی و سامان آلات مودرن کشف به آنها داده و این باندها مطابق اهداف نظامی و سیاسی خود به اشغال یا تخریب مواضع معین بداخل افغانستان سوق داده است. اگر مدعیات فوق درست نیست، و اگر پاکستان به خاتمه دادن عملیات تروریستی از داخل خاک خود در افغانستان صادقانه متعهد میباید، پس چرا این باندها که همه اتباع شناخته شده افغانستان میباشند در خاک خود و تحت امنیت خود نگهداری میکنند؟؟؟ چرا پاکستان برای این باندها امتیازات سیاسی در افغانستان مطالبه دارد؟؟؟ یعنی پاکستان به حکومت افغانستان میگوید که این باندها را وقتی به افغانستان برمیگردانم که **20%** چوکی در کابینه و شش ولایت افغانستان در اختیار آنها گذاشته شود!؟ بعبارت دیگر پاکستان میخواهد از طریق باندهای فروخته شده، قدرت سیاسی و نظامی خود را بطور دائم در افغانستان نگه دارد، و در غیر آن واضحا دوام جنگ را بر افغانستان تحمیل کردن است!

من در امریکا با یک عده امریکائیهای صلحدوست و بشردوست که یک عده شان با سیاست خارجی دولت خود چندان موافق نیستند، ماه یکی دوبار در مجالس شان اشتراک میکنم و نظرات آنها را میشنوم. در بین اینها پروفیسران و افسران متقاعد، ژورنالستان، جوانان و موسفیدان (زن و مرد) شامل اند. اینها اوضاع حالات افغانستان را از من میپرسند و من آنها را تحریک و تشویق میکنم تا درباره کشور بدبخت من صحبت و اظهار نظر کنند. سخنانی از آنها شنیدم ازین قبیل که در حال حاضر سیاست طویل المدت امریکا در منطقه آسیای مرکزی ازینقرار است که نه تنها میخواهد از تجزیه پاکستان جلوگیری کند، بلکه متوقع است افغانستان بحدی ضعیف و ناتوان گردد که خودش حاضر به ادغام با پاکستان شود که در آن صورت این دو مملکت بحیث یک مرکز مهم ستراتیژیکی امریکا درین منطقه مبدل خواهد شد و از کمکهای بسیار بیشتر امریکا مستفید خواهد گردید. یک خانم امریکایی در آن مجلس گفت: دلیل آنرا خوب میدانیم، امدولت امریکا بالای افغانها اعتماد ندارد، ولی بالای پاکستان اعتماد دارد، او گفت من دوبار پاکستان رفته ام، پاکستانیها مردم بی ضرر و اطاعت پذیر استند. یک مرد موسفید از زبان پسرش که بر تبه جگرن دوسال در افغانستان خدمت کرده، میگفت:

" امریکا به اردوی افغانستان امکانات خوردن و زنده ماندن را میسر میسازد، اما به اردوی افغانستان اسلحه دفاعی نمیدهد، چونکه پاکستان نمیخواهد و پاکستان توانسته اعتماد امریکارا حاصل کند. یک مرد روسی (که شاید یهودی باشد) ولی از سالها باینطرف در امریکا زندگی میکند، گفت: "این گپ درست است که امریکا میخواهد افغانستان با پاکستان ادغام شود، انگلیس نیز طرفدار اینکار است... " و علاوه کرد که "دولت روسیه ازین پلان خبر دارد بنابراین اتحاد نظامی بین هند و روسیه روبه تزئید میباید..."

اینکه در بیانات فوق چقدر واقعیت وجود دارد، من نمیدانم و دولت کابل باید در زمینه غور و تحقیق کند. اما اقدام امریکا که چند صد تیاره و چند صد تانک خود را از افغانستان برون ساخت و آنها را با پاکستان بخشید، یک سیلی محکم توهین و بی اعتمادی به افغانستان بود. از جانب دیگر موضوع افتتاح دهلیز و احان نیز بارتباط شایعات ادغام مجبوری افغانستان با پاکستان باید تحت تدقیق و مطالعه

قرارداده شود که آیا دولت چین از پلان طولی مدت امر یکا و شایعات ادغام افغانستان با پاکستان بیخبر است؟ یا اینکه افتتاح دهلیز و اخان متمد پلان ادغام دانسته شده است؟! حالا سفارش من به بحیث یک افغان به آقای داکتر اشرف غنی ازینقرار است: برادر محترم، تو میدانی که پاکستان باندهای تروریستی را قصداً برای دوام فشار سیاسی و نظامی و قتل و کشتار بالای افغانستان تمویل و نگاهداری میکند و درین سیاست عاجز ساختن و تضعیف ساختن افغانستان در طولی مدت نیز شامل میبشد. عوض یک سیاست "کج دار و مریز" که اکنون حکومت شما تعقیب میکند و هر روز بموفقیت و پیشدستی پاکستان می انجامد، چرا یک شرط سچ و صاف افغانی و اسلامی را بمقابل پاکستان نمیگذارید؟ اینطور:

"برادر محترم، جلالتماب نوار شریف! تازمانیکه شما چهار باند تروریستی مقیم خاک پاکستان را که همه اتباع شناخته شده افغانستان میباشند، واداره بازگشت به افغانستان نکنید، یا از خاک خود بطور مشهود برون نسازید، اعتماد و صداقت و صلح و تفاهم بین افغانستان و پاکستان رویکار آمده نمیتواند. این یگانه شرط ما است و توقع داریم آنرا بقسم یک حسن نیت و بدون هرگونه پیش شرط بپذیرید - ما تعهد می سپاریم که عفو عمومی را اعلان کنیم و حفظ جان و مال و صیانت همه کسانی که بطور مسالمت آمیز به افغانستان بر میگردند، بوسیله پارلمان افغانستان و موسسه ملل متحد تضمین گردد و برای اتباع افغانستان که از پاکستان بوطن بر میگردند امتیازات مندرج در قانون اساسی مساویانه و بدون تبعیض رعایت خواهد شد..."

اگر پاکستان پیشنهاد شما را بپذیرد، صداقت و حسن نیت آن بر ملا میگردد، و اگر نپذیرد در آن صورت دولت افغانستان باید ب فکر اعلان "سفربری" باشد تا بقدرت ملت خود از موجودیت افغانستان دفاع کرده بتواند. اعلان سفربری در افغانستان اگرچه بارگران ضربات اقتصادی را تحمیل خواهد کرد) و مرحوم سردار داودخان یکبار 65 سال قبل این بارگران را پذیرفت و با معذرت پاکستان از صحنه موفق برون آمد) ، اما با وقوف از اوضاع جاری در دوجناح پاکستان، اعلان سفربری در افغانستان در دهه دوم قرن 21 ، در صوبه سرحد خیبر و بلوچستان، قیام هایی را بوجود می آورد و ازین "گدودی" چیز دیگری به وجود خواهد آمد که پاکستان منتظر آن نبوده است.

خداوند متعال زعمای صادق به افغانستان را جرات و قدرت بیشتر و عمر طولی نصیب کناد - آمین.

خدمتگاران افغانستان - سیدخلیل الله هاشمیان - مورخ 24 می 2015